

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لئونید ساوین- کارشناس سیاسی بین‌المللی  
برگردان: ا. م. شیری  
۰۷ دسمبر ۲۰۲۴

## از امنیت اوراسیا تا امنیت جهان



### جهان چندقطبی در حال استقرار به اقدام و کار فعال‌تر برای آینده نیاز دارد

دومین کنفرانس بین‌المللی امنیت اوراسیا از ۳۱ اکتوبر تا اول نومبر ۲۰۲۴ در مینسک برگزار گردید و در آن «منشور اوراسیا برای جهان چند قطبی و تنوع در قرن بیست و یکم» ارائه شد. الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در این کنفرانس سخنرانی کردند و تأکید نمودند که جهان تک قطبی به پایان رسیده و امنیت بین‌المللی به نظم جدید نیاز دارد. و از آنجائی که غرب عمدتاً در تحریک درگیری‌ها و در ارائه پیشنهادهای مبتنی بر «فرمول‌های بن‌بست» مقصر است، یک سؤال منطقی مطرح می‌شود: معماری جدید امنیتی را چگونه و با چه کسی ایجاد کنیم؟

همانطور که نیکلای دانیلوسکی گفت، اروپا، به عنوان انتهای کوچک اوراسیا، نمی‌تواند مدعی نوعی انحصار در حل مسائل امنیتی منطقه باشد، هر چند که در قالب یورو آتلانتیک (بلوک ناتو و همچنین نفوذ بی‌سابقه امریکا بر اتحادیه اروپا) چنین تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. با وجود این، پیشنهاد ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه مبنی بر ایجاد یک فضای اقتصادی واحد از لیبیون تا ولادی وستوک – پروژه اوراسیای بزرگ – همچنان مطرح است. شکی نیست که اکثریت قریب به اتفاق شهروندان اتحادیه اروپا میلند روابط سازنده و دوستانه با روسیه و همچنین، با سایر کشورهای اوراسیائی تحت تحریم‌های اتحادیه اروپا و امریکا (مثلاً ایران و کوریای شمالی) داشته باشند. بنابراین، نخبگان سیاسی، مشکل اصلی در اروپای امروز هستند. در برخی کشورها (از جمله، در کشورهای بالتیک، پولند و ...)، روس‌هراسی وحشتناک هنوز شدت مشهود است، برخی دیگر سعی می‌کنند وانمود کنند که بی‌طرف هستند. اما از سیاست کلی بروکسل دنباله‌روی می‌کنند.

با این حال، در میان رهبران اروپا شکاکانی نیز وجود دارند که هم در گفتار و هم با اعمال خود، بسندگی مسیر سیاسی فعلی را نشان می‌دهند. علاوه بر جمهوری صربسکا به عنوان بخشی از بوسنی و هرزگوین، صربستان سرسختانه در برابر فشار غرب مقاومت می‌کند و رهبری آن باید بهای مقاومت خود را با خطر یک انقلاب رنگی دیگر بپردازد. هنگری و اسلواکی به ویژه با توجه به شرایط بحرانی اوکراین و مرزهای مشترک با این کشورها، سیاست‌های منطقی و متعادلی‌تری را دنبال می‌کنند. این نکته قابل تأمل است که یک کشور دیگر با وجود مرزهای مشترک، آشکارا به سوی بدبینی اروپا تمایل دارد. به طوری که کالین ژرژسکو، وابسته سابق حزب ملی‌گرای افراطی (اتحاد برای وحدت رومانیایی‌ها)، به عنوان نامزد مستقل در رومانی در دور اول انتخابات ریاست جمهوری یکشنبه گذشته، بیشترین آراء (۲۳ درصد) را کسب کرد. النا لاسکونی، رهبر لیبرال‌ها با ۱۹.۲ درصد آراء در جایگاه دوم قرار گرفت. در این انتخابات، همچنین نیکولای سیوکا، نخست وزیر سابق و میرچا جوآنا، معاون دبیرکل سابق ناتو هر کدام کمتر از ۱۰ درصد آراء را به خود اختصاص دادند.

اگر ژرژسکو در دور دوم پیروز شود، قدرتمندترین پست رومانی را با حق تعیین نخست وزیر احراز خواهد کرد، که می‌تواند درباره ائتلاف مذاکره کند و در مورد مسائل امنیتی و سیاست خارجی حرف آخر را بزند. در ضمن، او قبلاً همیشه در مورد روسیه و رئیس جمهور آن مثبت صحبت کرده است.

این امر، همراه با پیروزی قاطع حزب «آلترناتیو برای المان» در انتخابات پارلمانی المان، تغییر وضعیت سیاسی به دلیل تشدید بحران چند بعدی در اتحادیه اروپا را نشان می‌دهند.

و با وجود تعداد سیاستمداران به قدر کافی، احتمال دارد که در اتحادیه اروپا و ناتو تصمیمات دیوانه‌وار علیه روسیه و حتی علیه شهروندان خود کشورهای اتحادیه اروپا اتخاذ نشود.

نکته قابل توجه این است که ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو در تلاش است تا سیاستی متعادل و متوازن را دنبال کند و درک کند که مسائل جدی در اقتصاد یا امنیت منطقه بدون مشارکت روسیه قابل حل نیست. اما ترکیه تجربه سوریه و منافع خاصی، از جمله، ایجاد یک هاب انرژی با کمک مسکو را در پرونده خود دارد. با توجه به موقعیت جغرافیای ستراتیژیک ترکیه و کنترل ورودی به بحیره سیاه، کشورهای اروپایی باید هم با جاه‌طلبی‌های انقره و هم با واقعیت در حال تغییر کنار بیایند.

اگر به شرق بیشتر دقت کنید، در آنجا دگرگونی‌های قابل توجهی نیز مشهود است. اگرچه عراق هنوز ناپایدار است، اما چشم‌انداز بهبودی سریع وجود دارد. این نیز از تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و ارائه پروژه‌های زیربنایی مشاهده می‌شود. ایران نیز پویایی مثبت از خود نشان می‌دهد. با عنایت به تعامل فعال با روسیه در حوزه امنیت و فعال شدن تدریجی گذرگاه شمال-جنوب، ایران به عنوان یک قطب ژئوپلیتیکی نقش مهمی ایفا خواهد کرد و در عین حال، به عنوان عنصر ارتباطی مهم منطقه عمل خواهد کرد.

افغانستان فعلاً یک نقطه خالی در نقشه اوراسیا باقی می‌ماند. به این معنا که پس از به قدرت رسیدن طالبان (ممنوعه در روسیه) روابط با دولت جدید هنوز به شکل درست حل نشده است. البته، تصمیم اساسی برای خارج کردن طالبان از لیست سازمان‌های تروریستی در روسیه اتخاذ شده است. از سوی دیگر، ایران و پاکستان نیز به دنبال حل اختلافات و سوق دادن موضوعات بحث‌برانگیز به سمت سازنده هستند (مسأله پاکستان عبارت است از موضوع تعیین مرز. زیرا، طرف افغانستان خط دیورند را که به دلیل اشغال منطقه توسط بریتانیا در پایان قرن ۱۹ تعیین شد، با وجود وضعیت پذیرفته شده بین‌المللی، به رسمیت نمی‌شناسد).

با این حال، در یک زمینه جهانی، همیشه باید در نظر داشت که سیاست انگلوساکسون در قبال اوراسیا از الزامات هالفورد مکیندر و زیگنیو برژینسکی پیروی می‌کند. اگر غرب نتواند مستقیماً به هارتلند (روسیه) اوراسیا دست یابد، در آن صورت سعی خواهد کرد بر روی ریملند (منطقه ساحلی) و اروپای شرقی تأثیر بگذارد. به همین دلیل بحران اوکراین برانگیخته شد و به همین دلیل نیز تلاش‌ها برای تحریک و تشدید درگیری‌ها از طریق نیابتی‌های مختلف، به ویژه، در منطقه خاورمیانه، قفقاز و همچنین بخشی از آسیای مرکزی تا قلمرو هند که زیگنیو برژینسکی آن‌ها را قوس بی‌ثباتی اوراسیا توصیف کرد، ادامه خواهد یافت.

برای مقابله با این گونه طرح‌های مخرب، گسترش و تقویت تعامل بین دولت‌ها از طریق سازمان‌های موجود و حتی ایجاد ساختارهای کاری جدید ضروری است. از این نظر، قالب سازمان همکاری شانگهای منحصر به فرد است. این سازمان شامل چندین کشور است که علی‌رغم ادعاهای ارضی علیه یکدیگر، اما وارد مرحله فعال درگیری نمی‌شوند. هند و پاکستان دهه‌های متمادی است که بر سر کشمیر با یکدیگر اختلاف دارند. چین و هند نیز به نوبه خود، همچنان بخشی از هیمالیا را قلمرو خود می‌دانند. در عین حال، هر سه کشور دارای تسلیحات هسته‌ای هستند. اما، آن‌ها تهدید نمی‌کنند که از آن به سبک سیاست بی‌پروای غرب استفاده کنند.

با افزودن توانمندی‌های سازمان همکاری شانگهای و تعامل از طریق بریکس، از جمله، وضعیت کشورهای نامزد، فعالیت‌های سازمان همکاری اسلامی و همچنین سایر ابتکارات، به یک شبکه مؤثر تعامل سیاسی در بالاترین سطح در فضای اوراسیا و افریقا دست خواهیم یافت (روند استعمارزدایی و تقویت حاکمیت در افریقا نیز حداقل در میان برخی از کشورها، به ویژه، در منطقه ساحل ادامه خواهد یافت). اوراسیا و افریقا در واقع یک جزیره جهانی هستند که بقیه جهان به آن وابسته است.

همه این‌ها نشان می‌دهد که لازم است کار مکانیزم‌های قدیمی اصلاح شود و از الگوهای تحمیلی غرب، از جمله، توسعه مبانی اساساً جدید حقوق بین‌الملل اجتناب شود.

در حالی که جهان چندمرکزی هنوز شکل نگرفته و در مرحله گذار است، نظم چندقطبی در حال استقرار نیازمند اقدامات فعال‌تر و کار برای آینده است.

مأخوذ از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۱۱ آذر - قوس ۱۴۰۳